

تحرك اجتماعى و مسئله توسعه سياسى در ايران بعد از انقلاب اسلامى

آزاده الفتى^{*۱}

سيد شمس الدين صادقى^۲

مسعود اخوان كاظمى^۳

چکیده

هدف: پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ علاوه بر دگرگونی سیاسی، یک دگرگونی و جهش هم در تحرك اجتماعى در پی داشت. هدف پژوهش حاضر تبیین رابطه متقابل میان تحرك اجتماعى فزاینده و توسعه سياسى نهادمند در ايران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در چند دهه اخير با تأکید بر نقش واسطه‌ای احزاب سياسى است. سؤال پژوهش این است که رابطه میان تحرك اجتماعى و توسعه سياسى در ايران پس از انقلاب اسلامی را چگونه می‌توان تحلیل و ارزیابی نمود؟ در پاسخ، این فرضیه مورد واکاوى قرار خواهد گرفت که، تحرك اجتماعى فزاینده در ايران پس از انقلاب اسلامی، در نبود احزاب سياسى نهادمند، با ایجاد بی‌ثباتی‌های ادوارى، فرایند توسعه سياسى را با تأخیر مواجه ساخته است.

روش‌شناسى پژوهش: در پاسخ به سؤال پژوهش از روش توصیفی - تحلیلى در قالب مبانى نظرى ساموئل هانتینگتون (توسعه سياسى و نهادمندى سياسى) در تبیین مدیریت مدرنیزاسیون و تحرك اجتماعى بهره گرفته شده است. روش گردآورى داده‌ها؛ کتاب‌ها و مقالات، سالنامه‌های آماری و سایت‌های مرتبط با موضوع می‌باشد. یافته‌ها: نشان می‌دهد که، تحرك اجتماعى منجر به آگاه‌تر شدن جامعه و در نتیجه افزایش مطالبات آنان شده است؛ حال آن‌که احزاب سياسى پس از انقلاب اسلامی با معیارهای نهادمندى هانتینگتون فاصله بسیاری دارد. نتیجه‌گیری: ضعف در نهادمندى احزاب سياسى به تضعیف جدی در ایفای نقش واسطه‌گرى آن‌ها در جذب، تعدیل و کانالیزه کردن مطالبات اجتماعى انجامیده است. این عامل باعث بروز چالش‌هایی در فرایند توسعه سياسى شده است و ناآرامی‌های ادوارى چون اعتراضات سال‌های ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ در غیاب احزاب نهادمند سياسى به وقوع پیوسته است.

کلیدواژه‌ها: تحرك اجتماعى، توسعه سياسى، احزاب سياسى، ايران بعد از انقلاب اسلامى.

#. مقاله مستخرج از رساله نویسنده است.

Email: azadehofati.1391@gmail.com

۱- دانشجوی دکتری علوم سياسى، دانشگاه رازى، کرمانشاه، ايران. (نویسنده مسئول)

Email: Sh.sadeghi1971@gmail.com

۲- دانشیار گروه علوم سياسى، دانشگاه رازى، کرمانشاه، ايران.

Email: mak392@yahoo.com

۳- استاد گروه علوم سياسى، دانشگاه رازى، کرمانشاه، ايران.

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ ایران را با جهشی چشمگیر در شاخص‌های نوسازی و «تحرک اجتماعی» مواجه ساخت. گسترش آموزش عالی، رشد شتابان شهرنشینی و دسترسی گسترده به رسانه‌ها به شکل‌گیری جامعه‌ای آگاه با مطالبات سیاسی فزاینده انجامید. با این حال، مسئله بنیادین در تحولات دهه‌های اخیر بروز نوعی «ناهمزمانی ساختاری» میان رشد اجتماعی و توسعه سیاسی بوده است. در حالی که زیرساخت‌های نوسازی با سرعت پیش رفته‌اند، روند توسعه سیاسی متناسب با این تغییرات حرکت نکرده و با کندی و تأخر روبه‌رو شده است. توسعه‌نیافتگی سیاسی در این بستر به معنای ناتوانی نظام سیاسی در ایجاد و تقویت نهادهایی است که بتوانند مشارکت توده‌ای را به مسیری عقلانی و قانونمند هدایت کنند. به باور هانتینگتون، ثبات و توسعه یک نظام سیاسی در گرو تعادل میان «میزان مشارکت» و «سطح نهادمندی» است و هرگاه سرعت نوسازی و تحرک اجتماعی از نهادمندی سیاسی پیشی گیرد، احتمال زوال سیاسی و بی‌ثباتی افزایش می‌یابد. در ایران پس از انقلاب اسلامی، افزایش مطالبات اجتماعی با رشد متناسب نهادهای سیاسی همراه نبوده است.

در چنین شرایطی، احزاب سیاسی به‌عنوان مهم‌ترین نهاد واسطه، می‌بایست مطالبات پراکنده اجتماعی را جذب، پالایش و به سیاست‌های اجرایی تبدیل کنند. لذا مسئله اصلی این است که آیا فضای حزبی در ایران با این تکثر کمی توانسته به‌عنوان یک سوپاپ اطمینان و مجرای نهادمند عمل کند. لذا پژوهش حاضر به دنبال بررسی تحولات تحرک اجتماعی و نیز تحلیل وضعیت نهادمندی احزاب سیاسی بر اساس معیارهای برگرفته از نظریه نهادمندی سیاسی هانتینگتون همچون: تطبیق‌پذیری، پیچیدگی، استقلال و انسجام بوده و در ادامه تلاش جهت تبیین ریشه‌های شکاف میان تحرک اجتماعی و توسعه سیاسی با تحلیل نقش واسطه‌گری احزاب سیاسی در پیوند دادن جامعه و دولت می‌باشد. بدین جهت مقاله پاسخگوی این سؤال خواهد بود که، رابطه میان تحرک اجتماعی و توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی را چگونه می‌توان تحلیل و ارزیابی نمود؟ در پاسخ، این فرضیه مورد واکاوی قرار خواهد گرفت که، تحرک اجتماعی فزاینده در ایران پس از انقلاب اسلامی، در نبود احزاب سیاسی نهادمند، با ایجاد بی‌ثباتی‌های ادواری، فرایند توسعه سیاسی را با تأخیر مواجه ساخته است.

مبانی نظری

ساموئل هانتینگتون^۱، عالم سیاسی آمریکایی، وضعیت نوسازی، نهادمندی سیاسی و دموکراتیزاسیون را در کشورهای مختلف، به‌ویژه در حال توسعه، از منظر تطبیقی- تاریخی بررسی کرده است (شجاعی باغینی، ۱۳۹۷: ۲۰). وی از تأثیرگذارترین دانشمندان علوم سیاسی ایالات متحده در پنجاه سال گذشته است (ژاکت و لوونتال^۲، ۲۰۰۹: ۱۰۷). مهم‌ترین دل مشغولی وی در کتاب «سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرونی»:

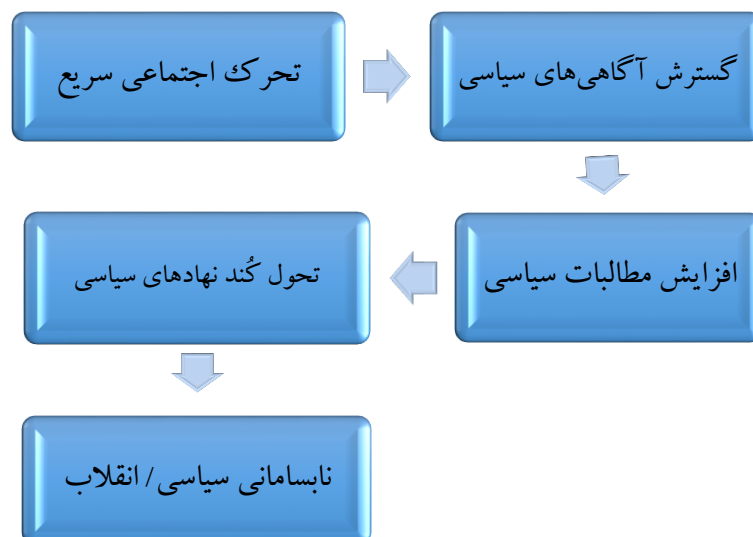
1. Samuel Huntington
2. Jaquette & Lowenthal

ثبات، نظم و نهادمندی سیاسی در دنیای پس از جنگ دوم جهانی است (کدیور، ۲۰۰۷: ۱۲). در دهه ۱۹۵۰، پنداشت رایج این بود که رشد اقتصادی لازمه استواری سیاسی است. هانتینگتون نشان داد که استواری سیاسی و رشد اقتصادی اهدافی مستقل اند و رشد اقتصادی لزوماً به ثبات سیاسی منجر نمی‌شود. برای مثال، هند در دهه ۱۹۵۰ فقیر و با نرخ رشد پایین بود، اما از نظر استواری سیاسی پایدار بود، در حالی که ونزوئلا و آرژانتین با درآمد بالاتر و رشد اقتصادی سریع‌تر، از ثبات سیاسی برخوردار نبودند (هانتینگتون، ۲۰۰۳: ۱۳-۱۲).

تحولات سیاسی دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ در کشورهای جهان سوم انتقاداتی در رابطه با نظریه‌های خوشبینانه نوسازی به دنبال داشت. و تعدادی از نویسندگان از فروپاشی و ناکامی این نظریات نوشتند. مهم‌تر از همه، هانتینگتون نشان داد که جوامع تازه استقلال یافته چگونه با جریان‌های متعددی از نیروهای سیاسی گوناگون مواجه شده و به دلیل فراهم نبودن ساختارهای سیاسی استوار تعارض میان گروه‌ها به شدت بالا می‌گیرد و غالباً به ورطه آشوب، بی‌ثباتی و فروپاشی کشیده می‌شوند (مرتضویان و پریراد، ۲۰۱۶: ۱۴۱). وی به موازات تفاوت آشکارتر در سطوح توسعه اقتصادی، بر وجود «شکاف سیاسی» بین کشورهای کمتر توسعه‌یافته از نظر سطح نهادینه‌سازی سیاسی تمرکز کرد. به گفته او، خشونت و بی‌ثباتی سیاسی «تا حد زیادی محصول تغییرات سریع اجتماعی و بسیج سریع گروه‌های جدید در سیاست همراه با توسعه‌کند نهادهای سیاسی بود (هوت^۱، ۲۰۱۶: ۵-۴). هانتینگتون این مضمون که نوسازی اجتماعی-اقتصادی لاجرم منجر به توسعه سیاسی، ثبات و روی کار آمدن حکومت‌های دموکراتیک می‌شود، را رد می‌کند. به باور او فرایند نوسازی در نبود نهادهای کارآمد سیاسی به خشونت، بی‌ثباتی سیاسی و فساد منجر می‌شود. این ناسامانی‌ها بیش از همه از دگرگونی سریع اجتماعی و نیز وارد شدن سریع گروه‌های اجتماعی در عرصه سیاست به همراه تحول کند نهادهای سیاسی مایه می‌گیرند. در واقع نوسازی موجب افزایش تحرك اجتماعی می‌شود. از طرفی به دلیل نهادمندی سیاسی پایین در این جوامع، نهادهای سیاسی آن‌ها توان پاسخگویی به مشارکت گروه‌های نوپا را ندارند (کدیور، ۲۰۰۷: ۱۰).

با این اوصاف، توسعه سیاسی از دیدگاه هانتینگتون به معنای آفرینش نهادهای سیاسی با ویژگی‌هایی چون پیچیدگی، استقلال و انسجام برای جذب و تنظیم مشارکت گروه‌های جدید و ترویج تغییر اجتماعی و اقتصادی در جامعه است. وی معتقد است از آنجایی که در فرایند توسعه سیاسی تقاضاهای جدیدی به صورت مشارکت و ایفای نقش‌های جدیدتر ظهور می‌کنند، لذا نظام سیاسی باید از ظرفیت و توانایی‌های لازم برای تغییر وضعیت برخوردار باشد، در غیر این صورت سیستم با بی‌ثباتی، هرج و مرج، اقتدارگرایی و زوال سیاسی مواجه خواهد شد (مطلبی و سرلک، ۲۰۱۵: ۱۰۶). وی در مقایسه دو نوع جامعه سنتی و مدرن به این نتیجه می‌رسد که بی‌ثباتی در جامعه‌ای رخ می‌دهد که تقاضای مشارکت سیاسی افزایش یافته، اما نهادهای سیاسی جامعه توان پاسخ‌دهی به این نیاز را ندارند و این شرایط تنها در جوامع در حال گذار به وقوع می‌پیوندد. در

جریان توسعه ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌بایست متناسب با هم رشد کنند. هنگامی که طی این فرایند، توسعه سیاسی عقب بماند، ناهماهنگی نوسازی و نهادمندی سیاسی، به ایجاد شکاف بین این دو منجر می‌شود که حاصل آن بحران سیاسی است. لذا اگر این گروه‌های نوظهور جذب نظام نگردند، دچار سرخوردگی شده و ضمن ناامیدی از امکان فعالیت سیاسی در مجاری قانونی و رسمی، کنش‌های خود را خارج از نهادهای موجود سامان می‌دهند که به بی‌ثباتی به انواع طرق کودتا، شورش، طغیان، جنگ استقلال طلبانه و انقلاب منجر می‌شود (فرهادی، ۲۰۱۷: ۱۵۰-۱۴۹). نهادهای تقاضاهایی را که از نظام سیاسی به عمل می‌آید پردازش کرده و به داده‌ها (سیاست‌ها) تبدیل می‌کنند و فضایی را به وجود می‌آورند که در آن گروه‌های ذی‌نفوذ می‌توانند دیدگاه‌های خود را به صورت مشروع مطرح کرده و همچنین به صورت ابزارهایی برای ایجاد آشتی میان منافع متعارض در جامعه به کار روند (قوام، ۲۰۱۱: ۲۷۱-۲۷۰). به اعتقاد هانتینگتون، استواری نظام‌های سیاسی در حال نوسازی به توانایی احزاب سیاسی وابسته است و حزب زمانی کارآمد محسوب می‌شود که از پشتیبانی نهادمند توده‌ها برخوردار باشد. از نظر وی، نظام حزبی مؤثر می‌تواند مشارکت سیاسی را در چارچوب رسمی گسترش دهد، فعالیت‌های ناهنجار یا انقلابی را مهار یا هدایت کند و گروه‌های تازه بسیج شده را به مسیرهایی سوق دهد که موجب بی‌ثباتی نشود. بنابراین، ایجاد سازوکارهای نهادمند برای جذب و سازمان‌دهی این نیروها، شرط اساسی ثبات سیاسی در جوامع دستخوش نوسازی است (هانتینگتون، ۲۰۰۳: ۵۹۷-۵۹۱). با این اوصاف مدل مفهومی پژوهش برگرفته از آرای هانتینگتون چنین می‌باشد:



منبع: (هانتینگتون، ۲۰۰۳: ۲۰۶-۲۰۵)

پیشینه پژوهش

- پژوهش‌های دارای مبانی نظری مشترک با پژوهش حاضر

اخوان کاظمی و همکاران (۱۴۰۱)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نهادمندی حزب دموکرات ایران (قوام) براساس آرای ساموئل هانتینگتون». با اتکا به نظریه نهادمندی هانتینگتون به بررسی شاخص‌های نهادمندی حزب دموکرات ایران می‌پردازد و تلاش می‌کند با مطالعه این حزب، به علل ناکارآمدی احزاب در تاریخ ایران بپردازد. یافته‌های مقاله بیانگر این است که حزب دموکرات و دیگر احزاب در ایران فاقد نهادمندی بر اساس این نظریه هستند. نقیب‌زاده و سلیمانی (۱۳۸۸)، در مقاله‌ای با عنوان «نوسازی سیاسی و شکل‌گیری احزاب در جمهوری اسلامی ایران (بر اساس رویکرد هانتینگتون)»، بر اساس نظریه هانتینگتون در جوامع دستخوش نوسازی، تحول حزبی در ایران را بر اساس مراحل جناح‌بندی شدن، دوقطبی شدن، گسترش و نهادمندی به آزمون گذاشته و به این نتیجه می‌رسد که فرایند تحول حزبی در ایران در مرحله گسترش قرار دارد و به مرحله نهادمندی نرسیده است.

- پژوهش‌های ناظر بر نقش احزاب در توسعه سیاسی و مشارکت

اسماعیل ارتگلی فراهانی و همکاران (۱۴۰۲)، در مقاله‌ای با عنوان «نقش احزاب در توسعه سیاسی ایران با تأکید بر شایسته‌سالاری»، به این نتیجه می‌رسد که موانع قانونی، فصلی بودن احزاب و عدم پذیرش آن‌ها در فرهنگ سیاسی مردم مانع اثرگذاری این نهاد بر فرایند توسعه سیاسی شده است. بنابراین، قوی‌ترین عامل توسعه ایجاد نظام حزبی نهادینه شده با محتوایی کارآمد و اثربخش است. زیباکلام و مقتدایی (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای با عنوان «احزاب سیاسی و نقش آن در توسعه سیاسی ایران: مطالعه موردی انتخابات»، با تأکید بر نقش مشارکت سیاسی برخوردار از ابزارهای کارآمد و سازمان‌های نهادمند؛ بر این باورند که احزاب سیاسی در ایران به معنای واقعی شکل نگرفته است بلکه در ایام انتخابات گروه‌های سیاسی به نام حزب به‌طور موقت فعالیت کرده و هیچ رابطه دقیق و تعریف شده‌ای بعد از آن میان حزب و نمایندگان حزبی آن وجود ندارد.

- پژوهش‌های مرتبط با تحرك اجتماعى و شکاف‌های سیاسی

علی‌جان مرادی‌جو (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای با عنوان «تحولات و چالش‌های سیاسی طبقه متوسط جدید در جمهوری اسلامی ایران» به طبقه متوسط جدید به‌عنوان یکی از گروه‌های اصلی اثرگذار (نشأت گرفته از تحرك اجتماعى فزاینده پس از انقلاب اسلامی) به‌ویژه در چهار دهه اخیر و چالش‌هایی که فراروی نظام جمهوری اسلامی قرار می‌دهد؛ پرداخته است. مقاله بدین نتیجه ختم می‌شود که ظهور طبقه متوسط جدید نظام را با چالش‌هایی همچون منازعه گفتمانی با طبقه متوسط سنتی، سیال بودن مطالبات سیاسی، خواسته‌های سیاسی متکثر و حکمرانی خوب مواجه ساخته است.

نوآوری پژوهش حاضر در ارائه یک الگوی تبیینی تلفیقی است، یعنی تلفیق سه حوزه‌ای که در مطالعات پیشین عمدتاً به‌صورت مجزا بررسی شده‌اند: تحرك اجتماعى، نهادمندی احزاب سیاسی و توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی. در حالی که برخی پژوهش‌ها صرفاً به سنجش نهادمندی احزاب بر اساس

نظریه هانتینگتون پرداخته و برخی دیگر نقش احزاب یا تحولات اجتماعی را جداگانه تحلیل کرده‌اند، این پژوهش با اتخاذ چارچوب نظری واحد، به تبیین رابطه علی میان تحرک اجتماعی فزاینده و توسعه سیاسی از طریق نقش واسطه‌گری احزاب می‌پردازد و تمرکز اصلی مقاله بر توضیح شکاف میان جامعه در حال دگرگونی و ظرفیت نهادی نظام سیاسی است.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی و با رویکرد کیفی می‌باشد. گردآوری اطلاعات نیز به صورت کتابخانه‌ای و با استناد به مقالات علمی داخلی و خارجی، کتاب‌های مرتبط با موضوع، سالنامه‌های آماری و گزارشات و سایت‌های علمی معتبر می‌باشد. در بخش توصیفی، در قالب نظری توسعه سیاسی و نهادمندی سیاسی هانتینگتون؛ تحرکات اجتماعی در ایران پس از انقلاب با توصیف وضعیت سواد و آموزش، شهرنشینی، رسانه‌ها و زیرساخت‌ها و نیز ساختار احزاب سیاسی طی این برهه به گونه‌ای جامع توصیف و تبیین می‌گردد. در بخش تحلیلی، با تمرکز بر نقش ناکارآمد احزاب سیاسی؛ شکاف میان تحرک اجتماعی بالا و روند توسعه سیاسی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. بدین جهت، با استفاده از معیارهای نهادمندی هانتینگتون و بررسی نقش واسطه‌گری احزاب میان مطالبات اجتماعی و نظام سیاسی؛ پیامدها و نتایج این وضعیت بر ثبات سیاسی و توسعه سیاسی تحلیل خواهد شد.

سیر وضعیت تحرک اجتماعی در ایران بعد از انقلاب اسلامی

تحرک اجتماعی از مباحث بنیادین جامعه‌شناسی است که در تبیین نظام قشربندی، تغییرات اجتماعی، روند توسعه و میزان نابرابری و بی‌عدالتی نقش مهمی ایفا می‌کند. از مهم‌ترین نمودهای آن در ایران پس از انقلاب اسلامی می‌توان به گسترش آموزش عالی، افزایش سهم زنان در تحصیلات و بازار کار، رشد مهاجرت به شهرها، ظهور مشاغل دانش‌بنیان، توسعه صنایع نوین و گسترش رسانه‌های جمعی و اینترنت اشاره کرد. این تحولات موجب تقویت ارتباطات فرهنگی در سطح جهانی و رواج ارزش‌ها و نگرش‌های مدرن‌تر شده و در نتیجه، نقش دانش، تخصص و عاملیت انسانی در شکل‌دهی پدیده‌های اجتماعی افزایش یافته است. به بیان دیگر، ساختار اجتماعی ایران با دگرگونی‌هایی مواجه شده که زمینه جابه‌جایی موقعیت‌های اجتماعی و تغییر الگوهای زندگی را فراهم کرده است (قائم‌زاده و همکاران، ۲۰۱۷: ۸۳-۸۲). در ادامه، مهم‌ترین شاخص‌های تحرک اجتماعی در ایران پس از انقلاب اسلامی بررسی می‌شود.

گسترش سواد و آموزش

آموزش رسمی در کشور، به دو شکل عمومی و عالی تقسیم می‌شود: آموزش عمومی شامل دوره‌های ابتدایی، راهنمایی (متوسطه اول) و متوسطه (دوم) می‌باشد و مسئولیت اجرای آن با وزارت آموزش و پرورش است. همچنین تحصیلات عالی در سطح دانشگاه، شامل سطوح کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکترای حرفه‌ای و تخصصی است. به علاوه، سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور در سال ۱۳۵۹ با ادغام

صندوق‌های کارآموزی، مراکز تعلیمات حرفه‌ای و کانون‌های کارآموزی به وجود آمد و فعالیت‌های خود را تحت پوشش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی آغاز نمود (سالنامه آماری کشور، ۲۰۲۳: ۶۰۸-۶۰۲). همچنین می‌توان به مؤسسات آموزش عالی وابسته به سایر وزارتخانه‌ها مثل وزارت پست و تلگراف، وزارت امور خارجه، وزارت نفت و مراکز تربیت معلم وابسته به آموزش و پرورش اشاره کرد. دانشگاه جامع علمی-کاربردی نیز در سال ۱۳۷۱ جهت تقویت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و تربیت نیروی انسانی ماهر مورد نیاز کشاورزی و خدمات و معدن تأسیس شده و نیز در بخش غیردولتی نیز دانشگاه‌ها و مؤسساتی همچون دانشگاه آزاد اسلامی، مؤسسات آموزش عالی غیردولتی و غیرانتفاعی و نیز بخش غیرحضورى (آموزش از راه دور) ایجاد شد (فریدونی و همکاران، ۲۰۱۸: ۸۴-۸۳). این وضعیت به شکل‌گیری نیروی انسانی آگاه‌تر و مطالبه‌گر منجر شده و با افزایش انتظارات سیاسى و مشارکت اجتماعى همراه بوده و در چارچوب نظری هانتینگتون، به بسیج اجتماعى گسترده‌تری منجر شده است، که در صورت فقدان نهادهای سیاسى کارآمد، می‌تواند زمینه‌ساز بی‌ثباتی سیاسى شود.

جدول ۱: تعداد باسوادان، نرخ باسوادی جمعیت ۶ ساله و بیشتر؛ طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۴۵

جمعیت (میلیون نفر)	باسوادان	نرخ باسوادی (مرد و زن)	مرد	زن
۱۳۴۵	۱۹۳۷۲	۵۵۵۶	۲۸/۷	۳۹/۲
۱۳۵۵	۲۷۱۱۳	۱۲۸۷۷	۴۷/۵	۵۸/۹
مهر ۱۳۶۵	۳۸۷۰۹	۲۳۹۱۳	۶۱/۸	۷۱/۰
مهر ۱۳۷۰	۴۵۸۵۶	۳۳۹۶۶	۷۴/۱	۸۰/۶
۱۳۷۵	۵۲۲۹۵	۴۱۵۸۲	۷۹/۵	۸۴/۷
۱۳۸۵	۶۳۹۲۰	۵۴۰۸۲	۸۴/۶	۸۸/۷
۱۳۹۰	۶۷۶۸۲	۵۷۳۶۲	۸۴/۸	۸۸/۴
۱۳۹۵	۷۱۵۰۶	۶۲۶۶۷	۸۷/۶	۹۱/۰

منبع: گردآورنده (برگرفته از اطلاعات سالنامه آماری سال ۲۰۲۳)

همچنین باید گفت که تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی از سال ۱۳۵۵-۱۳۹۵، به میزان ۳۴ برابر افزایش یافته است، به گونه‌ای که از حدود چندصد هزار فارغ‌التحصیل دانشگاهی در سال ۱۳۵۵ به نزدیک ۱۰ میلیون فارغ‌التحصیل در سال ۱۳۹۵ افزایش پیدا کرده است (صفری و همکاران، ۲۰۱۹: ۷-۶). که در جدول ذیل به آن اشاره خواهد شد.

جدول ۲: تعداد فارغ التحصیلان دانشگاهی طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۹۵

۲۸۲,۸۴۸	۱۳۵۵
۵۸۷,۸۹۴	۱۳۶۵
۱,۵۰۱,۰۰۰	۱۳۷۵
۴,۳۳۰,۸۵۰	۱۳۸۵
۶,۳۶۱,۲۹۱	۱۳۹۰
۹,۶۳۸,۸۵۳	۱۳۹۵

منبع: (صفری و همکاران، ۲۰۱۹: ۷).

توسعه مطبوعات و رسانه‌ها

رسانه‌ها از جمله مکانیزم‌های مشارکت سیاسی می‌باشند و گروه‌ها و افراد، رسانه‌های مختلف را برای تسخیر، کسب و تداوم قدرت به کار می‌گیرند و در عصر ارتباطات امروزه از مهم‌ترین ابزارهای کسب قدرتند. به‌ویژه از نظر تعداد و کیفیت بسیار متنوع شده و طیف گسترده‌ای از رسانه‌های شنیداری، دیداری، الکترونیکی و مکتوب را در بر می‌گیرند (اکبری، ۲۰۰۴: ۳۷). بر این اساس، نقش آشکار رسانه‌های جمعی در تبادل افکار و اطلاعات موجب شده است که به‌عنوان رکن چهارم دموکراسی از آن‌ها یاد شود (شهرام‌نیا و میلانی، ۲۰۱۱: ۵۷). در ادامه فهرست رسانه‌های دارای مجوز کشور بر اساس ترتیب انتشار تا تاریخ ۲۰ شهریور ۱۴۰۳ مورد اشاره قرار خواهد گرفت:

جدول ۳: فهرست رسانه‌های دارای مجوز

نوع رسانه	جمع کل کشور
چاپی: روزنامه	۳۴۷
چاپی: هفته‌نامه	۸۶۳
چاپی: دو هفته‌نامه	۲۶۵
چاپی: ماهنامه	۱۳۷۶
چاپی: دو ماهنامه	۱۰۸
چاپی: فصلنامه	۱۸۷۰
چاپی: دو فصلنامه	۶۷۸
چاپی: سالنامه	۹۸
جمع (چاپی)	۵۶۰۵
الکترونیک - برخط: خبرگزاری	۲۸
الکترونیک - برخط: پایگاه خبری	۴۹۸۶
الکترونیک - برخط: سامانه خبری	-
جمع (الکترونیک - برخط)	۵۰۱۴

الکترونیک - غیر برخط: هفته‌نامه	۹۷
الکترونیک- غیر برخط: ماهنامه	۳۷۸
الکترونیک - غیر برخط: فصلنامه	۱۸۲۵
الکترونیک غیر برخط: دو فصلنامه	۶۹۹
الکترونیک غیر برخط: سالنامه	۵۸
الکترونیک - غیر برخط: دو ماهنامه	۱۸

منبع: (سامانه جامع رسانه‌های کشور ۲۰۲۴)

علاوه بر رسانه‌های مذکور در مباحث قبلی، صدا و سیمای جمهوری اسلامی به‌عنوان رسانه ملی؛ در طیف رسانه‌های داخلی قرار دارد که بررسی آن ضرور می‌نماید. سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی از مهم‌ترین نهادها در فرایند توسعه سیاسی و از مؤثرترین نهادهایی است که با همه اقشار مردم در ارتباط است (ابطحی و موسوی، ۲۰۱۶: ۱۹۹). این نهاد با ۱۸ شبکه تلویزیونی ملی، ۱۶ شبکه رادیویی، ۳۲ شبکه استانی و ۱۲ شبکه برون مرزی از مؤثرترین نهادها در شکل‌دهی به افکار عمومی پس از انقلاب اسلامی بوده است (پایگاه اطلاع رسانی روابط عمومی سازمان صدا و سیما، ۲۰۲۴). شبکه‌های ماهواره‌ای و شبکه‌های اجتماعی نیز نقش اثرگذاری بر فرایند نوسازی و تحرك اجتماعي ایران پس از انقلاب اسلامی و افزایش مطالبات جامعه و لزوم تحول نهادی متناسب با آن را ایفا می‌کند. که در ایران برای اولین بار از دهه ۱۳۷۰ با دریافت شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای روبه‌رو هستیم (دانش، ۲۰۰۹: ۷).

همچنین موضوع شبکه‌های اجتماعی مجازی از سال ۲۰۰۵م تاکنون، اصلی‌ترین مشغله کاربران اینترنت در دنیا و به تبع آن ایران بوده است که به واسطه قابلیت‌های متعدد نرم‌افزاری و اینترنتی و نیز تکرر و تنوع محتوایی با استقبال وسیع کاربران مواجه شده‌اند (ضیایی‌پرور و عقیلی، ۲۰۱۰: ۲۴-۲۵). این شبکه‌ها سرویس‌های آنلاین و دیجیتالی هستند که به افراد اجازه می‌دهند در یک سیستم خاص، پروفایل شخصی داشته باشند، خود را به دیگران معرفی کنند، اطلاعات را به اشتراک بگذارند و با دیگران ارتباط برقرار کنند و نیز روابط اجتماعی جدیدی ایجاد کنند. شبکه‌های اجتماعی مجازی نیز نقش عمده‌ای در عرصه تغییرات اجتماعی در عصر حاضر دارند و منشأ بسیاری از تحولات معاصر هستند (جباری و دیگران، ۲۰۲۵: ۷۱). بنابر آمارهایی از مرکز رصد فرهنگی کشور، ۵۳ درصد از کل مردم ایران حداقل عضو یکی از شبکه‌های اجتماعی هستند. بر اساس آخرین آماری که روابط عمومی وزارت ارتباطات منتشر کرده است تا ۱۵ آذرماه ۱۴۰۱، تعداد کاربران فعال روبیکا ۱۵ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر، ایتا ۹ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر، بله ۳ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر و سروش پلاس ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر است. بنابه اظهارات پاول دوروف مدیرعامل تلگرام، تعداد کاربران ایرانی تلگرام ۴۰ میلیون نفر است. در این میان، ۷/۵ میلیون نفر هم از جمعیت ۱۶ تا ۳۵ ساله مردم ایران از کاربران اینستاگرام هستند. همچنین در نظرسنجی که صدا و سیمای جمهوری

اسلامی در این سال انجام داده است، در تهران ۷۴/۳ درصد و در مراکز استان‌ها ۷۰ درصد مردم از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند (مرکز رصد فرهنگی کشور، ۲۰۲۵).

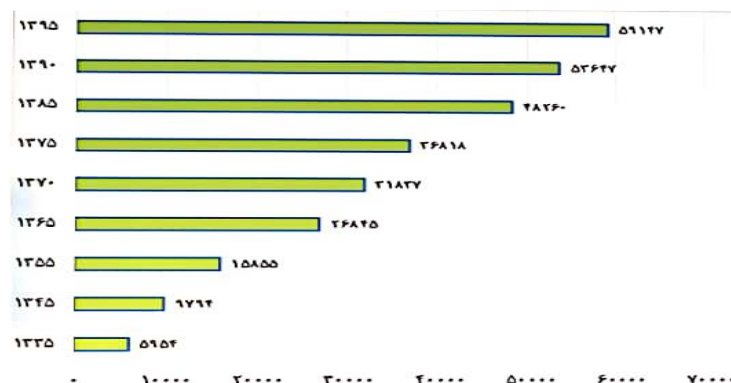
گسترش شهرنشینی

پیش از انقلاب، به دنبال اجرای اصلاحات ارضی در کشور، کاهش نقش کشاورزی در تولید داخلی و صادرات، تبدیل شدن نفت به مهم‌ترین منبع مازاد اقتصادی در سطح ملی؛ رابطه تعادل میان شهر و روستا بر هم خورد و شهرها به مکانی برای گسترش زیرساخت‌های صنعتی- مالی و تمرکز مازاد اقتصادی ملی، به‌ویژه برای روستاییان تبدیل شدند. بنابراین روستاییان به تبعیت از شرایط موجود در کشور جهت بهره‌مندی از مواهب رشد و نوسازی که اغلب در شهرها متمرکز شده بودند؛ به سوی کانون‌های برخورداری از اشتغال، خدمات و آزادی‌های فردی مهاجرت نمودند. این فرایند پس از انقلاب اسلامی به دلیل فضای سیاسی- اجتماعی حاکم بر کشور و نیز بروز جنگ تحمیلی و شرایط نامساعد اقتصادی و معیشتی برای روستاییان شدت یافت و سیل عظیم مهاجرت از روستا به شهر جهت دستیابی به شغل و درآمد بیشتر و برخورداری از خدمات فرهنگی و اجتماعی موجود در شهرها به راه افتاد (شمس‌الدینی و گرجیان، ۲۰۱۰: ۷۶). بنابه آخرین سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، تغییرات جمعیت شهری طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ به شرح ذیل می‌باشد (نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۲۰۱۶: ۲۲).

جدول ۴: تغییرات جمعیت نقاط شهری ۱۳۳۵-۱۳۹۵

سال	جمعیت	درصد رشد
۱۳۳۵	۵۹۵۳۵۶۳	-
۱۳۴۵	۹۷۹۴۲۴۶	۵/۱۰
۱۳۵۵	۱۵۸۵۴۶۸۰	۴/۹۳
۱۳۶۵	۲۶۸۴۴۵۶۱	۵/۴۱
۱۳۷۰	۳۱۸۳۶۵۹۸	۳/۴۷
۱۳۷۵	۳۶۸۱۷۷۸۹	۲/۹۵
۱۳۸۵	۴۸۲۵۹۹۶۴	۲/۷۴
۱۳۹۰	۵۳۶۴۶۶۶۱	۲/۱۴
۱۳۹۵	۵۹۱۴۶۸۴۷	۱/۹۷

منبع: اطلاعات گردآوری شده از نتایج کلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۲۰۱۶



نمودار ۱: تغییرات جمعیت شهری سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۹۵

منبع: (سالنامه آماری کشور، ۲۰۲۳: ۱۲۹).

در سرشماری سال ۱۳۹۵ تعداد ۲۴/۲ میلیون خانوار در کشور وجود داشته که حدود ۷۵ درصد از این تعداد در نقاط شهری و ۲۵ درصد در نقاط روستایی ساکن بوده‌اند. و در سال ۱۳۹۵، حدود ۸ درصد شهرهای کشور بالای صد هزار نفر جمعیت داشته‌اند (سالنامه آماری کشور، ۲۰۲۳: ۱۲۹).

توسعه زیرساخت‌ها

- شبکه راه‌سازی

امروزه، شبکه‌های گسترده راه‌سازی از مهم‌ترین عوامل توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و از مهم‌ترین سرمایه‌های ملی محسوب می‌شود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، شبکه راه‌های کشور به سرعت افزایش یافت؛ طول راه‌های تحت حوزه اسقفی وزارت راه و شهرسازی در سطح کشور (بدون راه‌های روستایی) تا پایان این سال: ۳ هزار و ۱۳۰ کیلومتر آزاد راه- معادل ۶/۲ درصد از راه‌های کشور-، ۲۱ هزار و ۲۳۹ کیلومتر بزرگراه- معادل ۴۱/۸ درصد- و ۲۶ هزار و ۴۶۷ کیلومتر راه اصلی- معادل ۵۲/۱ درصد از راه‌های کشور را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین، طول جاده‌های روستایی تحت حوزه اسقفی وزارت راه و شهرسازی در سطح کشور تا پایان سال ۱۴۰۳، ۱۰۹ هزار و ۹۹ کیلومتر آسفالت-معادل ۵۴ درصد-، ۲۰ هزار و ۸۳۵ کیلومتر شوسه- معادل ۱۰ درصد- و ۷۲ هزار و ۴۱۴ کیلومتر خاکی- معادل ۳۶ درصد- را به خود اختصاص داده است. و البته پیشرفت بسیاری نیز در حوزه راه‌های شریانی و ترانزیتی، تونل و پل‌ها و نیز پایانه‌های مسافری و غیره پس از پیروزی انقلاب اسلامی مشاهده می‌شود (سالنامه آماری سازمان راه‌داری و حمل و نقل جاده‌ای، ۲۰۲۴). و بنابه آمارهای موجود، روند تغییر طول همه راه‌های کشور طی سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۵ رشدی ۴/۴ برابری داشته است که شامل رشد ۱۲/۵ برابری جاده‌های روستایی و رشد ۸ برابری آزاد راه‌های کشور طی بازه زمانی مذکور می‌باشد (راجی و خاتمی، ۲۰۱۸: ۶۵-۶۴). توسعه

شبکه راه‌ها با افزایش امکان جابه‌جایی و دسترسی به فرصت‌های اقتصادی و آموزشی، به ارتقای تحرک جغرافیایی و طبقاتی و در نتیجه افزایش تحرک اجتماعی در ایران انجامیده است.

- برق رسانی

در حوزه برق‌رسانی نیز، در حالی که تا پایان سال ۱۳۵۷ تنها ۳ میلیون و ۳۹۹ هزار مشترک برق در کشور وجود داشت (پایگاه اطلاع رسانی صنعت برق، ۲۰۲۰). تا پایان سال ۱۴۰۲ تعداد کل مشترکین برق اعم از خانگی، عمومی، کشاورزی، صنعتی و سایر مصارف تجاری، به ۴۰ میلیون و ۵۶۸ هزار مشترک می‌رسد (گزارش عملکرد سال ۱۴۰۲ صنعت آب و برق، ۲۰۲۴: ۱۴). همچنین، شاهد پیشرفت بسیار زیادی در حوزه برق روستایی کشور بوده‌ایم، به گونه‌ای که رشد ۱۳ برابری در برق‌رسانی نسبت به پیش از انقلاب اسلامی به ثبت رسیده است. در سال ۱۳۵۷ تعداد ۴ هزار و ۳۶۷ روستا برق‌رسانی انجام شده بود در حالی که تا بهمن ماه ۱۴۰۳، تعداد ۵۸ هزار و ۸۸۹ روستا برق‌رسانی انجام شده است یعنی رشدی معادل ۱۳ درصد. همچنین در سال ۱۳۵۷ تعداد خانوارهایی که برق‌رسانی انجام شده بود ۵۰۰ هزار خانوار بوده که تاکنون به ۵ میلیون و ۸۸۷ هزار و ۵۱۳ خانوار روستایی برق‌رسانی صورت گرفته است. بنابراین، در کشور ما ۹۹/۸ درصد روستاها دارای برق هستند و تنها دو درصد جمعیت روستایی برق‌رسانی نشده است که آن هم شامل روستاهای تازه تأسیس می‌شود که هنوز از نظر وزارت کشور به عنوان روستای رسمی قلمداد نشده و یا الزامات قانونی برای اتصال به شبکه سراسری برق ندارند (خبرگزاری توانیر، ۲۰۲۴). گسترش برق‌رسانی، به ویژه در مناطق روستایی، با بهبود رفاه و دسترسی به آموزش و فرصت‌های اقتصادی، زمینه‌های تحرک اجتماعی را تقویت کرده است.

- آبرسانی و سدسازی

از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، در ایران ۱۹ سد ملی احداث شده بود و تا بهمن ماه ۱۴۰۳؛ بیش از ۲۰۰ سد بزرگ و کوچک در سراسر کشور ساخته شده است که در مدیریت منابع آب، کنترل سیلاب‌ها و تأمین آب شرب و کشاورزی نقش مهمی دارند. از جمله پروژه‌های شاخصی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی احداث شده‌اند می‌توان به سد کرخه (بزرگ‌ترین سد خاکی خاورمیانه)، سد دز و سد کارون ۳ اشاره کرد. در حوزه شبکه‌های آبرسانی شهری و روستایی هم، در ابتدای انقلاب اسلامی ۵۵۲ هزار هکتار شبکه آبرسانی شهری و روستایی احداث شده بود که این امر پس از ۴۶ سال و تا بهمن ماه ۱۴۰۳ به ۲ هزار و ۳۹۱ هکتار رسیده است. همچنین در سال ۱۳۵۷، ۲۷ تصفیه‌خانه آب شهری در کشور وجود داشت که تا بهمن ماه ۱۴۰۳ به تعداد ۱۷۰ تصفیه‌خانه افزایش یافته است و نیز در سال ۱۳۵۷، فقط ۴ تصفیه‌خانه فاضلاب شهری وجود داشت که با گذشت ۴۶ سال در بهمن ماه ۱۴۰۳ به تعداد ۲۷۷ تصفیه‌خانه افزایش یافته است. در رابطه با آبرسانی در حوزه شهری و روستایی باید گفت، در سال ۱۳۵۷ تنها ۱۲ درصد از جمعیت روستایی کشور تحت پوشش آبرسانی بهداشتی و پایدار بودند، که تا بهمن ۱۴۰۳ به ۸۶/۸۴ درصد افزایش یافته است. این در حالی است که میانگین جهانی دسترسی روستاها به آب سالم برابر با ۵۹/۶ درصد

است (روزنامه رویداد صنعتی، ۲۰۲۴). بهبود شرایط زیستی در شهرها و روستاها، به کاهش محرومیت‌های منطقه‌ای و افزایش فرصت‌های اقتصادی انجامیده و زمینه‌های تحرك اجتماعى را تقویت کرده است.

- گازرسانى

پیش از پیروزی انقلاب اسلامى، تمرکز اصلى بر استخراج نفت بود و گاز طبیعى به‌عنوان محصولى جانبى در نظر گرفته مى‌شد، بر همین اساس بسپارى از میدان‌های گازى به دلیل نبود زیرساخت‌های لازم، مشعل‌سوزى مى‌شدند. از این‌رو شبکه گازرسانى داخلى بسیار محدود بود و بخش عمده‌ای از کشور از سوخت مایع استفاده مى‌کردند. پس از پیروزی انقلاب اسلامى، با توسعه میدان گاز پارس جنوبى به‌عنوان بزرگ‌ترین میدان گازى جهان که بیش از ۷۰ درصد گاز مصرفى کشور را تأمین مى‌کند، به همراه توسعه صنعت گاز در پالایشگاه‌های گازى ایلام، فجر جم و هاشمى‌نژاد، تولید گاز کشور به شدت افزایش یافت. توسعه صنعت گاز در ۴۶ سال گذشته، جایگاه ایران را به سومین تولیدکننده گاز در جهان رسانده است و نیز طى این بازه زمانى شاهد توسعه و گسترش قابل توجهى در شبکه خطوط لوله انتقال گاز فشار قوى بوده است و از بهمن ۱۳۵۷ تا آذر ۱۴۰۳ از ۲ هزار و ۹۰۰ کیلومتر به ۴۰ هزار و ۲۲۳ کیلومتر توسعه یافته است و تعداد ایستگاه‌های تقویت فشار گاز در این مقطع زمانى از ۸ به ۹۴ ایستگاه افزایش یافته است. گازرسانى به شهرها که از مهم‌ترین پروژه‌های توسعه‌ای در کشور بوده است از دهه ۶۰ با جدیت آغاز شد. تعداد شهرهای گازرسانى شده که در بهمن ۱۳۵۷، ۹ شهر بود تا آذر ۱۴۰۳ به یک هزار و ۲۶۴ شهر افزایش یافته است. همچنین در بخش روستایى که تنها ۲ روستا پیش از انقلاب تا بهمن ۱۳۵۷ گازرسانى شده بودند که این رقم پس از انقلاب تا آذر ۱۴۰۳ به ۴۰ هزار و ۷۵۶ روستا افزایش یافت (شرکت نفت و گاز پارس، ۲۰۲۴). گسترش گازرسانى با بهبود رفاه و ایجاد زیرساخت‌های اقتصادى، به افزایش فرصت‌های زندگى و تقویت تحرك اجتماعى انجامیده است.

- توسعه صنایع

پس از پیروزی انقلاب اسلامى، بیش از ۵۲ هزار واحد صنعتى در شهرک‌ها و نواحى صنعتى کشور به بهره‌بردارى رسیده که حدود ۴۵ هزار واحد آن فعال هستند و سهم واحدهای خرد و کوچک بیش از ۹۰ درصد است (گزارش راهبردى بازسازى و نوسازى صنایع ساخت‌محور در ایران، ۲۰۲۵: ۱۵). بر اساس داده‌های مرکز آمار، در زمستان ۱۴۰۳ حدود ۱/۴۰ درصد جمعیت ۱۵ ساله و بالاتر از نظر اقتصادى فعال بوده‌اند که ۵/۳۳ درصد آن‌ها در بخش صنعت شاغل هستند (گزارش نظارتى رصد شاخص‌های بخش صنعت، ۲۰۲۵: ۲۲). یکى از نمونه‌های برجسته پیشرفت صنعتى کشور، مجتمع گاز پارس جنوبى است که با بهره‌گیرى از متخصصین جوان، به الگوی جهانی در بهره‌بردارى از میدان‌های گازى تبدیل شده و در حوزه مسئولیت اجتماعى نیز اقدامات فرهنگى، آموزشى و محیط‌زیستى انجام مى‌دهد (شرکت مجتمع گاز پارس جنوبى، ۲۰۲۵).

صنعت پتروشیمی ایران نیز از دهه ۱۳۴۰ آغاز شد و پس از انقلاب و جنگ تحمیلی با برنامه‌های بازسازی و توسعه، ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی از ۳ میلیون تن در سال ۱۳۵۷ به ۶۸ میلیون تن در سال ۱۳۹۸ افزایش یافته است (تاریخچه شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران، ۲۰۲۲). امروزه صنعت پتروشیمی با مزیت نسبی و نقش کلیدی در شکوفایی اقتصادی، یکی از ۱۰ بخش برتر اقتصادی کشور محسوب می‌شود (خداپرست پیرسرایی، ۲۰۲۳: ۵۹). توسعه کمی و کیفی صنایع در کشور، با ایجاد فرصت‌های شغلی، ارتقای مهارت‌های فنی و افزایش درآمد خانوارها، به بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی و تقویت تحرک اجتماعی در میان اقشار مختلف جامعه انجامیده است.

بررسی وضعیت احزاب سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی و فروپاشی رژیم پهلوی نیروهای عظیمی از شور و هیجان مذهبی، سیاسی و مردمی آزاد شد و در پی گسترش آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، در عرصه کشور صدها گروه و حزب به عرصه فعالیت پا نهادند. گرچه بسیاری از آن‌ها ناپایدار، موسمی و شکننده هم بودند (اخوان کاظمی، ۱۹۹۹: ۱۰۳). در فاصله سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ احزاب با تکرار فراوان در ایران ظهور کردند که در ابتدای انقلاب اسلامی، با انتشار نشریه و ارگان مطبوعاتی، به بیان دیدگاه‌های خود می‌پرداختند و کارکردهای خود را در این دوره آشفته، در قالب چانه‌زنی و فعالیت برای کسب قدرت آغاز کردند. به دنبال تدوین قانون اساسی، احزاب می‌بایست دارای اساسنامه و مرام‌نامه می‌شدند؛ بدین جهت بعضی از احزاب حذف شده و برخی دیگر همچنان فعال بودند تا این که به تنازعات میان احزاب در سال ۱۳۶۰ می‌رسیم که در نهایت شاهد تعطیلی احزاب در این دوره هستیم (اکبری، ۲۰۰۹: ۵۸).

در تاریخ ۷ شهریورماه ۱۳۶۰ قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده در دو فصل شامل ۱۹ ماده و ۹ تبصره، به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید؛ که فصل اول در ۵ ماده به تعاریف حزب و جمعیت و غیره مذکور اختصاص داشت و فصل دوم در ۱۴ ماده به حقوق گروه‌ها پرداخته شده بود (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۹۸۱). اصل (۲۶) از قانون اساسی در رابطه با احزاب چنین آورده است: احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت (فتحی و کوهی اصفهانی، ۲۰۱۸: ۲۰). لازم به ذکر است دی ماه ۱۳۹۴، قانون جدید فعالیت‌های احزاب به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و در ۲۲ آبان ماه ۱۳۹۵ جهت اجرا ابلاغ و جایگزین قانون ۱۳۶۰ شد. قانون جدید در سه فصل و شامل ۲۳ ماده و ۴۸ تبصره می‌باشد که به‌طور کامل شرایط و ضوابط تأسیس حزب را شرح داده و حتی برای هیأت مؤسس هم شرایط مشخصی تعیین شده است (قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی، مصوبه مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۲۰۱۶). در آخرین آمار اعلامی رسمی به استناد وزارت کشور

تا تاريخ ۲۹ بهمن ماه ۱۴۰۲ فهرست جبهه‌ها، احزاب و گروه‌هاى سياسى داراى پروانه فعاليت معتبر كه طبق زمان مندرج در اساسنامه و نصاب قانونى اقدام به برگزارى مجامع عمومى و تشكيل اركان حزب نموده‌اند، ۲۱ جبهه حزبى و ۷۴ حزب در سطح ملى در كشور به شرح ذيل مى‌باشد: (مرکز اطلاع رسانی و امور بین‌الملل وزارت کشور، ۲۰۲۳).

جدول ۵: احزاب فعال در سطح ملى (۲۹ بهمن ماه ۱۴۰۲)

ردیف	نام حزب	ردیف	نام حزب
۱	انجمن اسلامى پزشكان	۳۸	حزب ترقى
۲	انجمن اسلامى مدرسين دانشگاه‌ها	۳۹	حزب تمدن اسلامى
۳	انجمن اسلامى مهندسان ايران	۴۰	حزب توسعه ملى ايران اسلامى
۴	انجمن اسلامى جامعه پزشكى ايران	۴۱	حزب جمهوريت ايران اسلامى
۵	انجمن اسلامى معلمان ايران	۴۲	حزب جوانان ايران اسلامى
۶	انجمن روزنامه نگاران زن ايران(رزا)	۴۳	حزب دفاع از ايتارگران و قانون اساسى
۷	جامعه اسلامى حاميان كشاورزى ايران	۴۴	حزب سبز
۸	جامعه اسلامى مديران	۴۵	حزب عدالت‌طلبان ايران اسلامى
۹	جامعه اسلامى فرهنگيان	۴۶	حزب فرزندان ايران
۱۰	جامعه اسلامى كارگران	۴۷	حزب كارگزاران سازندگى ايران
۱۱	جامعه اسلامى مهندسين	۴۸	حزب مردم سالارى
۱۲	جامعه انجمن‌هاى اسلامى اصناف و بازار	۴۹	حزب مستقل و اعتدال ايران
۱۳	جامعه جوانان متحد اسلامى	۵۰	حزب مؤتلفه اسلامى
۱۴	جامعه زنان انقلاب اسلامى	۵۱	حزب نداى ايرانيان
۱۵	جمعيت پيشرفت و عدالت ايران اسلامى	۵۲	حزب نسل نو
۱۶	جمعيت اسلامى فرهنگيان	۵۳	حزب وحدت و همكارى ملى ايران اسلامى
۱۷	جمعيت اعتلاى نهاده‌هاى مردمى انقلاب اسلامى	۵۴	حزب همبستگى ايران اسلامى
۱۸	جمعيت ايتارگران انقلاب اسلامى	۵۵	حزب همبستگى دانش آموختگان ايران
۱۹	جمعيت آبادگران جوان ايران اسلامى	۵۶	حزب همدلى مردم تحول‌خواه
۲۰	جمعيت پيروان زينب(س)	۵۷	خانه پرستار
۲۱	جمعيت توليدگران	۵۸	سازمان عدالت و آزادى ايران اسلامى
۲۲	جمعيت جانبازان انقلاب اسلامى	۵۹	كانون اسلامى فارغ‌التحصيلان شبه قاره هند
۲۳	جمعيت جوانان انقلاب اسلامى	۶۰	كانون تربيت اسلامى
۲۴	جمعيت حاميان انقلاب اسلامى	۶۱	كانون دانشگاهيان ايران اسلامى
۲۵	جمعيت حمايت از حقوق بشر زنان	۶۲	كانون مهستان

۲۶	جمعیت رهپویان انقلاب اسلامی	۶۳	مجمع اسلامی کارکنان بانک‌ها
۲۷	جمعیت زنان مسلمان نو اندیش (ایران)	۶۴	مجمع ایثارگران
۲۸	جمعیت وفاداران انقلاب اسلامی	۶۵	مجمع جانبازان و ایثارگران انقلاب اسلامی
۲۹	حزب اتحاد ملت ایران اسلامی	۶۶	مجمع دانش‌آموختگان ایران اسلامی
۳۰	حزب احیای تمدن اسلامی	۶۷	مجمع شاهد ایران اسلامی
۳۱	حزب اراده ملت	۶۸	مجمع مشارکت اسلامی جوانان
۳۲	حزب اسلامی ایران زمین	۶۹	مجمع ملی کشاورزان
۳۳	حزب اسلامی کار	۷۰	مجمع نیروهای خط امام (ره)
۳۴	حزب اعتدال و توسعه	۷۱	حزب اسلامی قانون
۳۵	حزب اعتماد ملی	۷۲	حزب توسعه و عدالت ایران اسلامی
۳۶	حزب آزادی	۷۳	جمعیت یاران انقلاب اسلامی
۳۷	حزب پایداری انقلاب اسلامی	۷۴	جمعیت تحول و پیشرفت اسلامی - ایرانی

منبع: مرکز اطلاع رسانی و امور بین‌الملل وزارت کشور، ۲۰۲۳

باید دید این تعداد از احزاب سیاسی در کشور پس از انقلاب اسلامی، آیا از دیدگاه معیارهای نهادمندی هانتینگتون قابلیت لازم جهت جذب مطالبات ناشی از تحرک اجتماعی فزاینده پس از انقلاب اسلامی و انتقال آن به دولت و نظام سیاسی را دارند و توانسته‌اند شکاف میان تحرک اجتماعی و توسعه سیاسی را پر کنند؟

تحلیل نقش ناکارآمدی احزاب سیاسی در شکاف میان تحرک اجتماعی و توسعه سیاسی

در نظام‌های در حال گذار، احزاب سیاسی تنها ابزار مهار نیروهای اجتماعی رها شده از فرآیند نوسازی هستند. در ایران پس از انقلاب، جهش در شاخص‌های تحرک اجتماعی، جامعه‌ای مطالبه‌گر و پویا ایجاد کرده است که برای تداوم ثبات، نیازمند مجاری رسمی مشارکت می‌باشد. با این حال، شواهد نشان می‌دهد که ساختار حزبی نتوانسته است همپای این پویایی اجتماعی رشد کند. این "ناهمزمانی" باعث شده که احزاب به جای ایفای نقش واسطه‌گری و تبدیل فشار اجتماعی به سیاست‌گذاری، خود به عاملی برای انسداد تبدیل شوند. برای درک عمیق این ناکارآمدی و ریشه‌یابی چالش‌های توسعه سیاسی، ضروری است وضعیت احزاب ایرانی را بر اساس الگوی "نهادمندی" ساموئل هانتینگتون و اسنچی شود. از این منظر، قدرت یا ضعف یک حزب در مدیریت تحرک اجتماعی، در گرو چهار معیار کلیدی است که میزان بلوغ و ثبات آن نهاد را در برابر تلاطم‌های سیاسی تعیین می‌کند.

معیارهای نهادمندی احزاب در ایران پس از انقلاب اسلامی

❖ ضعف تطبیق‌پذیری سازمانی احزاب پس از انقلاب اسلامی

تطبيق پذیری یک ویژگی اکتسابی برای سازمان بوده و از شرایط محیطی و زمان نشأت می گیرد. به هر میزان که شرایط محیطی یک سازمان فراز و نشیب بیشتری داشته باشد و عمر آن بیشتر باشد، تطبيق پذیری آن هم بیشتر است (هانتینگتون، ۲۰۰۳: ۲۸). به عبارتی، از نظر هانتینگتون سازمانی که توانسته است در مقابل تغییرات داخلی و خارجی مقاومت کند و به واقع عمر طولانی داشته باشد و قادر باشد نقش و عملکرد خود را در پاسخ به محیط های سیاسی و اجتماعی در حال تغییر، تغییر دهد؛ از سطح بالایی از تطبيق پذیری و انعطاف پذیری برخوردار است (هانتینگتون، ۱۹۶۸: ۱۳-۱۲). اکثر احزاب سیاسی که پس از انقلاب اسلامی ایجاد شدند، عمر طولانی نداشته و در مقابل تغییرات داخلی و خارجی و پاسخگویی به محیط اجتماعی و سیاسی در حال تغییر؛ تطبيق پذیری و انعطاف لازم را نداشته اند. به فرض مثال، حزب جمهوری اسلامی به عنوان نخستین تشکل رسمی بعد از انقلاب؛ علی رغم درخشش های ابتدایی، خیلی زود به بحران داخلی دچار شد و با ترور شهید بهشتی نخستین دبیر کل آن به تدریج ضعیف شد و نهایتاً خرداد ماه ۱۳۶۶ منحل شد. همچنین، شکل گیری برخی از احزاب، واکنشی به یک رویداد خاص همچون پیروزی در انتخابات بوده است. نمونه این مورد را می توان جبهه دوم خرداد دانست که پس از انتخابات دوره هفتم ریاست جمهوری و پیروزی سید محمد خاتمی، متشکل از ۱۸ گروه و تشکل سیاسی جبهه مشارکت ایران، حزب همبستگی ایران اسلامی، مجمع روحانیون مبارز، حزب کارگزاران سازندگی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، دفتر تحکیم وحدت، جمعیت زنان جمهوری اسلامی و غیره دانست که در این مقطع ملاک دسته بندی که فقهائی و غیرفقهائی بودن برداشت آن ها از اسلام در دوره اول بعد از انقلاب و تخصص و تعهد در دوره دوم بود، تغییر کرده و معیار تفاوت دموکراسی اسلامی و حکومت اسلامی قرار گرفت و ائتلاف پیروان خط امام متشکل از جامعه روحانیت مبارز و تشکل های هم فکر در مقابل جبهه دوم خرداد قرار گرفت (سالاروند و همکاران، ۲۰۲۳: ۵۸).

❖ سادگی ساختاری و ضعف نهاده سازی تشکیلات حزبی در ایران

به باور هانتینگتون، هر اندازه یک سازمان پیچیده تر باشد، سطح نهادمندی آن هم بالاتر است. پیچیدگی هم مستلزم تعدد خرد واحدهای سازمانی یا زیرمجموعه های آن از جهت سلسله مراتب و کارکردهاست و هم به تمایز انواع خرد واحدهای جداگانه سازمانی بستگی دارد. نظام های سنتی پیچیده تر بهتر می توانند خود را با مطالبات جدید تطبيق دهند (هانتینگتون، ۲۰۰۳: ۳۱). در واقع، پیچیدگی یعنی وجود یک ساختار لایه مند سازمانی و تفکیک وظایف و زیرمجموعه های مختلف، کارکردهای متنوع و سلسله مراتب مشخص است (هانتینگتون، ۱۹۶۸: ۱۳). تحلیل وضعیت احزاب سیاسی ایران در سنجش با معیار پیچیدگی؛ در مجموع حاکی از ضعف در این حوزه است، چرا که اکثر آن ها از نوع احزاب تأسیس شده یا دولتی هستند که تحت تأثیر رئیس یک دولت یا متصدیان آن به قدرت رسیده اند و با خاتمه آن ضرورت وجودی خود را از دست می دهند. این احزاب فاقد بنیادهای تاریخی، اجتماعی، سیاسی و سازماندهی گسترده جغرافیایی بوده و پشتوانه قابل اتکا و محکمی از حامیان مردمی مستمر و ثابت ندارند. بنابراین، نمی توانند کارایی لازم را

داشته باشند. در واقع بهار این احزاب در انتخابات و خزان آن‌ها پس از انتخابات است، نه بنایی بر تهیه برنامه کامل و مدون در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و غیره و ارائه آن به جامعه قبل از انتخابات دارند و نه کوششی جهت پاسخگویی نسبت به اندک شعارهای شب انتخاباتی خود به طرفدارانشان از خود نشان می‌دهند و در صورت شکست در انتخابات، تا انتخابات بعدی به لاک خموشی می‌روند. می‌توان گفت از موانع و چالش‌های نظام حزبی در کشور، عدم برنامه مدون و کارآمد از جانب احزاب به جامعه و مردم است و به‌طور کل آن چیزی که امروزه می‌تواند حدفصل میان احزاب سیاسی در کشور باشد؛ مفاهیم کلی اصلاح‌طلبی و اصولگرایی است (کریمی و همکاران، ۲۰۱۹: ۱۱۳-۱۰۷).

❖ چالش استقلال نهادهای احزاب در جمهوری اسلامی ایران

استقلال یعنی رشد سازمان‌ها و رویه سیاسی به‌گونه‌ای که این سازمان‌ها تنها بیانگر مصالح گروه‌های اجتماعی خاص نباشند. سازمان سیاسی که ابزار دست یک گروه اجتماعی- خانواده، کلان و طبقه- باشد از استقلال و نهادمندی بی‌بهره است (هانتینگتون، ۲۰۰۳: ۳۵). ثبات سیاسی در یک سیستم سیاسی در حال مدرنیزاسیون بستگی به توانایی احزاب سیاسی دارد و یک حزب هم در صورتی توانایی دارد که از پشتیبانی نهادهای شده مردم برخوردار باشد. بدین جهت، توانایی حزب بیانگر میزان پشتیبانی مردم و سطح نهادهای شدن آن است. در صورتی یک حزب دارای قدرت نهادی است که پس از فوت یا کنار رفتن بنیانگذار یا رهبر فرهمند آن، بتواند به قدرت و بقای خود ادامه دهد (رحیمی، ۱۹۹۹: ۱۴۲). احزاب سیاسی فعال پس از انقلاب اسلامی علی‌رغم تلاش جهت تثبیت آن‌ها به‌صورت نهادمند و دارای ساختار، احزابی بوده‌اند که از نظر سیاسی و منابع مالی، وابستگی زیادی به دولت و اشخاص حکومتی داشته‌اند. دو نمونه از این موارد، حزب جبهه مشارکت ایران اسلامی و حزب کارگزاران سازندگی هستند که به دلیل موفقیت‌های خاتمی و هاشمی در عرصه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی شکل گرفتند و استمرار یافتند. به تبع، با کاهش نفوذ و اعتبار این اشخاص در مقاطع بعدی، دامنه فعالیت‌های این احزاب هم کاهش پیدا کرد (غفاری هشجین و کاکادزفولی، ۲۰۲۳: ۶۹-۶۸). و یا برخی در برهه‌ای جهت تأمین منابع مالی به کانون‌های قدرت و ثروت و منابع عمومی متوسل می‌شوند، مثلاً تشکل رایحه خوش خدمت در تبلیغات دوره سوم شوراها و هزینه‌های انتخاباتی دولت نهم برای انتخابات دهم ریاست جمهوری؛ از تصویر احمدی‌نژاد استفاده می‌کردند. این وضعیت منجر به خدشه‌دار شدن استقلال احزاب و از دست رفتن اعتماد عمومی به آن‌ها می‌شود (ساعی و همکاران، ۲۰۱۷: ۱۱۴).

بحث احزاب دولتی نیز از جمله این‌هاست؛ یعنی احزاب فرمایشی که علت وجودی آن‌ها با دولت پیوند خورده و دولتمردان عمدتاً این احزاب را برای مقابله با احزاب سیاسی ایجاد می‌کنند. اگر از همان ابتدای پیروزی انقلاب را در نظر داشته باشیم، حزب جمهوری اسلامی توسط رجال سیاسی طراز اول کشور که همگی عضو شورای انقلاب بودند، ایجاد شد (اخوان کاظمی، ۲۰۰۹: ۱۴۵). پس از دهه اول انقلاب، نخستین حزب حکومتی را می‌توان حزب کارگزاران سازندگی دانست که در سال ۱۳۷۴ در آستانه انتخابات مجلس

پنجم برای پیشبرد اهداف دولت با بیانیه‌ای به امضای ۱۶ نفر از وزرا و معاونان رئیس‌جمهور و رئیس کل بانک مرکزی وقت موجودیت یافت. دیگر احزاب دولتی شامل مشارکت اسلامی، همبستگی و مردم‌سالاری است که از دل انتخابات ریاست جمهوری دوم خرداد ۱۳۷۶ ظاهر شدند و از حامیان و ستاد انتخاباتی و سپس کابینه سید محمد خاتمی بودند. همچنین ائتلاف آبادگران به همراه اصولگرایان در حمایت از دکتر احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست جمهوری توانست اکثریت کرسی‌های مجلس هشتم را به‌دست آورد. برخلاف احزاب واقعی که ابتدا قدرتی نداشته و در مسیر کسب آن تلاش می‌کنند، این احزاب از آغاز دارای قدرت بوده و برای پیشبرد اهداف صاحبان قدرت شکل می‌گیرند (سالاروند و همکاران، ۲۰۲۳: ۶۱-۶۰).

❖ انسجام درونی احزاب سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی

هر اندازه یک سازمان منسجم‌تر و یکپارچه‌تر باشد، سطح نهادمندی آن نیز بالاتر است. یک سازمان کارآمد، حداقل باید در رابطه با مرزهای کارکردی گروه و روش‌های حل اختلافات درونی، توافق اساسی داشته باشد. این توافق باید در میان افراد فعال در نظام برقرار باشد. همچنین، بین استقلال و انسجام رابطه بسیار نزدیکی وجود دارد؛ استقلال وسیله انسجام می‌شود و این امکان را به سازمان می‌دهد که سبک و شیوه ویژه‌ای را در پیش بگیرد که مشخصه سازمان باشد (هانتینگتون، ۲۰۰۳: ۳۸). این مفهوم اشاره به میزان توافق اعضای یک سازمان بر سر ارزش‌ها و اهداف، همبستگی و وحدت درونی سازمان و ممانعت از تعارضات داخلی میان زیرمجموعه‌ها دارد. نبود انسجام منجر به درگیری‌های درونی، انشعاب و ضعف کارایی حزب خواهد شد. به نظر می‌رسد در طول تاریخ پس از انقلاب اسلامی، احزاب سیاسی کشور در این معیار از نهادمندی مدنظر هانتینگتون ضعف بسیاری داشته‌اند. دگرگونی حزبی در بدو پیروزی انقلاب اسلامی طیفی از ادغام، تأسیس، ائتلاف و انشعاب را شامل می‌شد. زمینه‌های اختلاف درون بلوک قدرت به تدریج نمایان شد و نخستین شکاف و جدایی میان طبقات و نیروهای مدرن و سنتی رخ نمود که نهایتاً طبقات و نیروهای مدرن و نمایندگان سیاسی آن‌ها از بلوک قدرت اخراج گشتند. طی دوره اول ریاست جمهوری آقای هاشمی جریان جدیدی که عمدتاً نیروهای تکنوکرات بودند، شکل گرفت که از نظر فکری میانه‌رو و عملگرا بودند و از درون نیروهای راست و چپ دوران جنگ بیرون آمده و دارای اختلافاتی با دو جریان مذکور بودند و خواستار بازنگری در سیاست‌های قبلی و نوعی سیاست‌های لیبرال در حوزه اقتصادی و فرهنگی بودند. جبهه دوم خرداد و به قدرت رسیدن خاتمی، برآیند تقابل میان توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی بود. اما اختلاف نظر میان گروه‌های دوم خردادی با پیروزی اصلاح طلبان در انتخابات ریاست جمهوری شروع شد؛ گروهی خواهان تسریع به ایجاد تغییرات ساختاری و تقویت جنبش‌های اجتماعی جهت اصلاحات سریع بودند و گروهی دیگر همچون شخص خاتمی تأکید بر فرایند اصلاحات در چارچوب قوانین و مقررات و ساختار موجود داشتند. در این بین گروهی هم صرفاً جهت مخالفت با اصولگرایان آرای خود را به صندوق اصلاح‌طلبان ریخته بودند؛ لذا این چند دستگی موجب انفعال جنبش و موفقیت جریان اصولگرا در کسب اعتماد مردم در دور بعدی انتخابات شد. اگرچه در دوره دوم احمدی‌نژاد هم با انتخاب معاون اول و معرفی

کابینه اختلاف‌ها نمایان و بعد چنان فراگیر و از کنترل خارج شد که حتی تأکیدات رهبری هم در جلوگیری از تشدید اختلافات مؤثر واقع نشد و در نهایت منجر به تضعیف جبهه انقلاب و افزایش شانس پیروزی اعتدالگرایان در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم شد (ابوالفتحی و الفتی، ۲۰۲۲: ۵۶-۴۷).

در مجموع با توجه به وضعیت مذکور و ضعف در نهادمندی احزاب سیاسی پس از انقلاب اسلامی، این وضعیت باعث شده است که احزاب کارکرد واقعی یک حزب را نداشته باشند؛ که از جمله این‌ها می‌توان به نقش واسطه‌گری احزاب در انتقال مطالبات جامعه به حاکمیت اشاره کرد. بدین جهت، در مقاطعی شاهد بوده‌ایم که مطالبات به شکل اعتراضات خیابانی و تحمیل هزینه‌های مادی و معنوی بر ملت و حاکمیت بوده است که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

احزاب ضعیف و بی‌ثباتی سیاسی

یکی از کارکردهای حیاتی احزاب واقعی که ضعف یا فقدان آن عمق شکاف اجتماعی و سیاسی را افزایش می‌دهد، نقش واسطه‌گری آن‌هاست که مطالبات متنوع و گاه متضاد اجتماعی نشأت گرفته از شکاف‌های قومی، مذهبی و طبقاتی و غیره را در قالب سیاست‌های منسجم و برنامه به حاکمیت انتقال می‌دهد. در واقع احزاب سیاسی همچون سد و کانالی عمل می‌کنند که انرژی انباشته توده‌ها و طغیان و عصیان آن‌ها را به آرامش و سکون تبدیل نموده و با هدایت در مجرای صحیح خود، جلوی تخریب ساختارهای اجتماعی و سیاسی و غیره را می‌گیرند و نیز در جهت حفظ و تداوم حیات نظام سیاسی به کار می‌روند. از جانی، احزاب می‌توانند با نقش خود؛ بی‌ثباتی ناشی از فرایند توسعه و نوسازی را کاهش می‌دهد. به عقیده هانتینگتون، ترکیبی از مشارکت گسترده و سازماندهی قوی حزبی می‌تواند مانعی در مقابل بروز خشونت و سیاست ناهنجار باشد (ابوالحسن شیرازی و صحرایی، ۲۰۱۸: ۸۸-۸۷). لکن، این ضعف کارکردی در احزاب و تشکلهای سیاسی ما وجود دارد. سال‌هاست که احزاب سیاسی در کشور ما صرفاً کارکرد انتخاباتی دارند و آن هم فقط جهت جلب آرای مردم در زمان انتخابات فعالیت دارند و پس از اتمام انتخابات هیچ ارتباط تعریف شده و دقیقی میان نمایندگان حزبی و خود حزب وجود ندارد (زیباکلام و مقتدایی، ۲۰۱۴: ۲۱). این در حالی است که احزاب با انجام مطلوب کارکردهایی که برای آن‌ها تعریف شده، می‌توانند از وقوع بی‌ثباتی سیاسی جلوگیری کرده یا در صورت وقوع؛ آن را کنترل و محدود نمایند (ابوالحسن شیرازی و صحرایی، ۲۰۱۸: ۱۰۸).

از نیمه دوم دهه ۱۳۹۰، سیری از اعتراضات در کشور می‌توان مشاهده کرد. اعتراض‌های کارگران، مالباختگان، معلمان، کامیون‌داران، بازنشستگان و دیگر اقشار که بدون رهبری و سازماندهی شکل گرفتند. اعتراضات دی ماه ۱۳۹۶ با شعار «نه به گرانی» با ماهیتی اقتصادی گسترش یافت و اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ در واکنش به افزایش ۳۰۰ درصدی قیمت بنزین، که ابتدا نسبتاً مسالمت‌آمیز بود و در ادامه به یک شورش خشونت‌آمیز تبدیل شد و در بسیاری از شهرها بانک‌ها، ساختمان‌های دولتی، برخی مغازه‌ها و خودروهای پلیس توسط معترضان تخریب و خسارات مادی و معنوی به کشور وارد شد. نکته مهمی که در

جریان این اعتراضات به ذهن متبادر می‌شود، بی‌اعتمادی گروه‌های معترض و مطالبه‌گر و مردم به نهادهای صنفی، مدنی و احزاب جهت رساندن صدایشان به مسئولان و نخبگان حکومتی است که موجب شد این گروه‌ها به‌طور مستقیم از طریق اعتصابات و اعتراضات خیابانی اهداف و مطالبات خود را پیگیری نمایند. به عبارتی، این اعتراضات توسط توده مردم از قشر متوسط و پایین در نبود یا ضعف شدید کارکردی تشکلات مدنی و حزبی شکل گرفت که به نهادهای مدنی بی‌اعتماد و فاقد پشتیبانی نهادینه شده حزبی هستند. ویژگی متمایز این اعتراضات با نمونه‌های دیگر همچون اعتراضات سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸ این بود که اعتراضات قبلی عمدتاً با هدایت تشکلات صنفی و مدنی و اتحادیه‌ها انجام شد و افراد مشخصی رهبری می‌کردند، حال آن‌که اعتراضات ۹۶ و ۹۷ به شکل مستقیم و خیابانی بودند که با بی‌اعتمادی و ناامیدی نسبت به تشکلات صنفی و مدنی و در بستر فرصت بی‌نظیری چون شبکه‌های اجتماعی اتفاق افتاد (سردارنیا و البرزی، ۲۰۲۱: ۱۱۷-۱۰۵).

از سال ۱۴۰۰ به بعد شاهد ورود نیروهای اجتماعی جدید بوده و اعتراضاتی با مرکزیت نسل دیجیتال نوجوان مشاهده می‌شود (دمیرچی، ۲۰۲۳: ۲۰). مرگ مهسا امینی در شهریور ۱۴۰۱ زمینه‌ساز اتفاقات گسترده‌ای در ایران بود که به تحلیل بسیاری از کارشناسان دارای عمق اجتماعی زیادی بوده و تغییرات فرهنگی- اجتماعی زیادی در درون خانواده‌های ایرانی ایجاد کرد (توحیدلو، ۲۰۲۲: ۱۴۶). این اعتراضات که با شعار «زن، زندگی، آزادی» نزدیک سه ماه ادامه یافت، با حمایت چشم‌گیر برخی سلبریتی‌ها و برخی چهره‌های شاخص اجتماعی و نیز حمایت گسترده اپوزسیون خارج از کشور همراه بود (دلآوری و اسراری، ۲۰۲۵: ۵۲). و خسارت‌های زیادی به کشور وارد کرد. در این‌جا هم می‌توان گفت غیاب تحزب به معنای واقعی در کشور احساس می‌شود. اگرچه احزاب زیادی در وزارت کشور ثبت شده‌اند، لکن آن‌ها احزاب ریشه‌داری محسوب نمی‌شوند. نتیجه نبود تحزب، پراکنده‌کاری در موضوعات اداره کشور، عدم تصویب قوانین به نفع مردم و عدم پاسخگویی افراد بعد از پایان مهلت خدمت‌شان خواهد بود. حزب به حرکات جمعی شناسنامه می‌دهد و امکان مطرح شدن مطالبات در یک چارچوب مشخص را فراهم می‌کند و حاکمیت هم وزن و اندازه این مطالبه را متناسب با حزبی که متولی این مطالبه هست را درک می‌کند (اندیشکده حکمرانی شریف، ۲۰۲۲: ۵). به واقع احزاب با تجميع منافع به مدیریت منازعات کمک می‌کنند، مطالبات ابتدا در گروه‌های انتفاعی و صنفی با هم مرتبط شده و سپس در چارچوب احزاب یکپارچه می‌گردند و به نظام انتقال می‌یابند (ارتگلی فراهانی و همکاران، ۲۰۲۳: ۲۸۶). اما در غیاب نهاد سیاسی در حوزه عمومی، بلافاصله اعتراض به خیابان می‌آید و نمی‌توان کارویژه نهاد سیاسی را در عرصه حکمرانی کنونی نادیده گرفت (خوش‌بیان و همکاران، ۲۰۲۴: ۸۷). در مجموع با توجه به وضعیت مذکور، «تصلب نهادی» احزاب در ایران، پیوند میان تحرك اجتماعى و ثبات سیاسى را از میان برده است و در نبود احزاب نهادمند، انرژی ناشی از نوسازی به جای پیشران توسعه، به شکل نیروهای تخریبی و بی‌ثباتی‌های ادواری ظاهر شده است.

نتیجه گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که چالش بنیادین توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب، نه در «فقدان نوسازی»، بلکه در «پارادوکس نوسازی بدون نهادسازی» نهفته است. برخلاف بسیاری از تحلیل‌های سنتی که توسعه‌نیافتگی را به ایستایی جامعه نسبت می‌دهند، این پژوهش اثبات کرد که جامعه ایران به دلیل تحرک اجتماعی شتابان (در حوزه‌های آموزش، شهرنشینی و ارتباطات)، با سرعت زیادی «مدرن» شده است؛ اما این مدرنیته اجتماعی به دلیل انسداد در مسیر «نهادمندی سیاسی»، به جای آن که پیشران ثبات باشد، به منبع تولید تنش و بی‌ثباتی بدل گشته است. بنابراین، یافته اصلی و متمایز پژوهش این است که احزاب سیاسی در ایران، فراتر از ضعف‌های تشکیلاتی، در یک «تله کارکردی» گرفتار شده‌اند. این احزاب به جای آن که طبق نظریه هانتینگتون، نقش واسطه میان توده و قدرت را ایفا کنند، خود به بخشی از فرآیند «زوال سیاسی» تبدیل شده‌اند؛ چرا که به دلیل فقدان استقلال و انسجام ساختاری، توان جذب و مدیریت انرژی سرکش تحرک اجتماعی را ندارند. در واقع، در غیاب احزاب نهادمند، مطالبات اجتماعی نه «پالایش»، بلکه «انباشته» می‌شوند. در نهایت، آسیب‌شناسی پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تأخر در توسعه سیاسی ایران محصول یک «ناهمزمانی ساختاری» میان بلوغ مطالبات شهروندان و توسعه‌نیافتگی ابزارهای مشارکت است. تا زمانی که نظام حزبی از الگوهای «محفلی و فصلی» به سمت «نهادمندی» بر اساس معیارهای چهارگانه (تطبیق‌پذیری، پیچیدگی، استقلال و انسجام) حرکت نکند، تحرک اجتماعی به جای تقویت فرایند توسعه، همواره به صورت رفتارهای توده‌ای و اعتراضات ادواری بروز خواهد کرد. لذا، گذار از این وضعیت مستلزم بازنگری در کارکرد احزاب به عنوان تنها مجرای عقلانی برای تبدیل «فشار اجتماعی» به «سیاست‌گذاری ملی» است. این تبیین، افق جدیدی را برای درک چرایی تداوم شکاف دولت-ملت در ایران معاصر می‌گشاید.

References

- Abolfathi, Mohammad and Olfati, Azadeh (2022). "Plurality of Elites and the Problem of Development after the Islamic Revolution", Islamic Revolution Research Quarterly, Vol. 12, No. 43: 43-61. (In Persian)
- Abolhasan Shirazi, Habibollah and Sahraei, Alireza (2018). "The Role and Impact of Political Parties on Political Stability in Iran: A Case Study of the Reform Government", Strategic Studies of Islamic Revolution, Vol. 1, No. 3: 67-112. (In Persian)
- Abtahi, Seyed Mostafa and Mousavi, Seyed Mohammad Reza (2016). "The Impact of Media on Political Development: A Case Study of the Islamic Republic of Iran Broadcasting Organization", Political Studies Quarterly, Vol. 10, No. 35: 198-208. (In Persian)

- Akbari, Kamal (2009). “The Role of Political Parties in Politics after the Islamic Revolution”, Political Science Quarterly, Vol. 12, No. 47. (In Persian)
- Akhavan Kazemi, Bahram (2009). Causes of Inefficiency of Political Parties in Iran, Tehran: Center for Islamic Revolution Documents. (In Persian)
- Akhavan Kazemi, Masoud and Nikounahad, Ayoub (2018). “Identification and Analysis of Political Development Drivers in Iran after the Islamic Revolution: Desirable Scenarios for the Future”, Islamic Policy Research, Vol. 6, No. 14: 11-40. (In Persian)
- Akhavan Kazemi, Masoud; Pirani, Shahreh and Pirani, Shahram (2022). “Examining the Institutionalization of Iran Democratic Party (Qavam) Based on Samuel Huntington’s Views”, Strategic Policy Research Quarterly, Vol. 11, No. 40: 43-69. (In Persian)
- Anonymous (2020). “Elevenfold Increase in the Number of Electricity Subscribers after the Islamic Revolution”. Available at: <https://barghnews.com/fa/news/44436>.
- Anonymous (2024). “The Global Average of Water Supply Is 59.6 Percent while It Has Reached 84.86 Percent in Iran”. Available at: <https://rooydadsanati.ir>.
- Anonymous (2024). “Thirteenfold Growth of Rural Electrification after the Victory of the Islamic Revolution”. Available at: <https://news.tavanir.org.ir>.
- Arteglı Farahani, Esmail; Atrian, Faramarz and Roustaei Hosseinabadi, Yaser (2023). “The Role of Political Parties in Iran’s Political Development with Emphasis on Meritocracy”, Sociology of Islamic Revolution, Vol. 4, No. 2: 277-296. (In Persian)
- Authorized Parties and Fronts, Ministry of Interior Information Center. Available at: <https://media.moi.ir>.
- Comprehensive Media System of Iran (2024). List of Licensed Media by Province and Publication Order. Available at: https://e-rasaneh.ir/Report_Temp_Show.aspx?RID=1.
- Danesh, Parvaneh (2009). “Consumption Pattern of Satellite Networks”, Peyk-e Noor, No. 27: 3-11. (In Persian)
- Delavari, Abolfazl and Asrari, Mohammad Ebrahim (2025). “Typology and Pattern Transformations of Collective Protests in Iran after the Revolution (1979–2022)”, Revolution Studies Biannual, Vol. 3, No. 5: 31-60. (In Persian)
- Demirchi, Hossein Saber (2023). “Investigating Structural Factors and Process Forces of Street Protests in the Islamic Republic of Iran”, Journal of Crisis Studies in the Islamic World, Vol. 9, No. 3: 1-24. (In Persian)
- Detailed Results of the General Population and Housing Census (2016). Vice Presidency, Planning and Budget Organization, Statistical Center of Iran. Available at: <https://amar.org.ir>.
- Farhadi, Mohammad (2017). “Examining the Relationship between Political Development Indicators and the Tendency toward Radical Islam in Central Asia: A Case Study of Inclination toward ISIS”, Political and International Approaches Quarterly, Vol. 7, No. 46. (In Persian)
- Fathi, Mohammad and Kouhi Esfahani, Kazem (2018). Constitution of the Islamic Republic of Iran with the Interpretive Opinions of the Guardian Council, Tehran: Guardian Council Research Institute Publications. (In Persian)
- Fereydouni, Somayeh; Rashidi, Zahra and Rouhani, Shadi (2018). Comparative Study of University Structures in Iran and Other Countries with Proposals for Downsizing

- Universities and Academic Fields, Tehran: Institute for Research and Planning in Higher Education, Ministry of Science, Research and Technology. (In Persian)
- General Results of the Population and Housing Census (2016). Vice Presidency, Planning and Budget Organization, Statistical Center of Iran. Available at: <https://amar.org.ir>.
 - Ghaffari Heshjin, Zahed and Kakadzafouli, Ali (2023). “Personalism in Iranian Political Parties before and after the Islamic Revolution”, Contemporary Political Essays, Vol. 14, No. 1: 49-82. (In Persian)
 - Ghavam, Seyed Abdolali (2011). Political Science: Foundations of Political Science, Tehran: SAMT Publications. (In Persian)
 - Hout, Wil (2016). “Classical Approaches to Development: Modernisation and Dependency”, in Jean Grugel and Daniel Hammett (eds.), the Palgrave Handbook of International Development, Basingstoke: Palgrave Macmillan, pp. 21-39.
 - Huntington, Samuel (2004). *Political Order in Changing Societies*, Translation: Mohsen Salasi, Tehran: Elm Publications. (In Persian)
 - Huntington, Samuel P. (1965). “Political Development and Political Decay”, World Politics, Vol. 17, No. 3: 386-430.
 - Huntington, Samuel P. (1968). *Political Order in Changing Societies*, New Haven: Yale University Press.
 - Islamic Republic of Iran Broadcasting Organization (2024). “List of Radio and Television Networks”. Public Relations Information Portal of IRIB. Available at: <https://www.pririb.ir>.
 - Jabbari, Lela; Mantegh, Hassan and Malekolkalami, Mila (2025). “Digital Content on Social Networks”, the CSI Journal on Computer Science and Engineering, Vol. 19, No. 2: 72-75.
 - Jaquette, Jane S. and Lowenthal, Abraham F. (2009). “Samuel P. Huntington (1927-2008)”, Estudios Internacionales, No. 162: 107-124.
 - Kadivar, Mohammad Ali (2007). “The Intellectual Portrait of Samuel Huntington”, Shahrvand, No. 17. Available at: <https://ensani.ir>. (In Persian)
 - Karimi, Akbar; Ansari, Mansour and Mousavi, Seyed Sadr al-Din (2019). Challenges and Theoretical Obstacles of Party Formation in the Islamic Republic of Iran, Master's Thesis, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute. (In Persian)
 - Khodaparast Pirsaraci, Younes (2022). “Comparative Analysis of the Current Situation and Future Outlook of Iran's Petrochemical Industry with Regional Countries”, Economic Security Journal, Vol. 10, No. 12: 59-78. (In Persian)
 - Khosh-Bayan, Seyed Abouzar; Amini, Parviz and Heidari, Javad (2024). “The Nature of the Summer and Autumn 2022 Protests in Iran: A Grounded Study”, Strategic Policy Research Quarterly, Vol. 14, No. 53: 57-98. (In Persian)
 - Law on the Activities of Political Parties and Political Groups (2016). Approved by the Islamic Consultative Assembly. Available at: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/998916>.
 - Law on the Activities of Political Parties, Associations, Political and Professional Organizations and Recognized Religious Minorities (1981). Approved by the Islamic Consultative Assembly. Available at: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/90226>.

- Matlabi, Masoud and Sarlak, Katayoun (2015). “Social Classes and Political Development in the Islamic Republic of Iran”, *Political Studies Quarterly*, Vol. 8, No. 29: 101-124. (In Persian)
- Moradijoo, Ali (2020). “Political Developments and Challenges of the New Middle Class in the Islamic Republic of Iran”, *Sociology of Islamic Revolution*, Vol. 1, No. 3: 35-69. (In Persian)
- Mortazavian, Seyed Ali and Parizad, Reza (2016). “Political Participation and the Institutionalization of Mass Political Parties in Third World Countries”, *International Relations Studies Quarterly*, Vol. 9, No. 36. (In Persian)
- National Cultural Monitoring Center (2025). Available at: <https://ircud.ir/fa/Search>.
- National Petrochemical Company of Iran (2023). “History and Structure of the National Petrochemical Company”, Available at: <https://www.nipc.ir>.
- Pars Oil and Gas Company (2024). “The Development Path of Iran’s Gas Industry: From the Revolution to the Present”. Available at: <https://www.pogc.ir>.
- Qaemizadeh, Mohammad Salman; Mobaraki, Mohammad and Mahmoudzadeh, Morteza (2017). “Social Modernization or Social Reproduction: A Study of Social Stratification and Mobility”, *Social Order and Inequality Analysis Journal*, No. 4/72. (In Persian)
- Rahimi, Hossein (1999). “The Role of Political Parties in Political Development and National Security”, *Strategic Studies Quarterly*, No. 4: 127-146. (In Persian)
- Raji, Seyed Mohammad Hossein and Khatami, Mohammad Reza (2018). *Forty-Year Rise: A Review of the Forty-Year Achievements of the Islamic Revolution Based on International Statistics*, Mashhad: Astan Quds Razavi Publications. (In Persian)
- Saei, Ali; Moghaddas, Azam and Ghaffari, Masoud (2017). “Comparative Analysis of Democratization in Iran and Turkey: The Democratic Consolidation Stage with Emphasis on Political Parties (1980–2009)”, *Historical Sociology Journal*, Vol. 9, No. 2: 99-132. (In Persian)
- Safari, Saeid; Arvin, Bahareh and Karimipour, Kowsar (2019). “Higher Education and Employment in Universities after the Islamic Revolution”, *Science and Technology Policy Quarterly*, Vol. 11, No. 1. (In Persian)
- Salarvand, Mehdi; Fallahatpisheh, Heshmatollah and Delavari, Abolfazl (2023). *Examining the Role of Weak Institutionalization in the Formation of Patron–Client Relations in Iran’s Political System from 2005 to 2021*, Master’s Thesis, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba’i University. (In Persian)
- Sardarnia, Khalilollah and Alborzi, Hengameh (2021). “Analysis of Recent Socio-Occupational Protests in Iran (2017–2021) from the Perspective of Street Politics Theory”, *Strategic Policy Research Quarterly*, Vol. 11, No. 40: 107-150. (In Persian)
- Shahramnia, Amir Masoud and Milani, Jamil (2011). “The Role of the Press in Political Development in Iran after the Islamic Revolution”, *Political Research Journal*, No. 1: 56-69. (In Persian)
- Shamsoddini, Ali and Gorjian, Parvin (2010). “Factors Affecting Rural-Urban Migration with Emphasis on Migration Networks: The Case of Rostam Do Rural District”, *Geographical Outlook Journal*, Vol. 5, No. 11: 75-92. (In Persian)

-
- Sharif Governance Think Tank (2022). Regulation of the 2022 Protests, Registration No. 38342. Available at: <https://gptt.ir/uploads>.
 - Shojaei Baghini (2019). Participatory Political Institutions and the Obstacles to Their Development in Iran, PhD Dissertation, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University. (In Persian)
 - South Pars Gas Complex Company (2025). Available at: <https://www.spgc.ir/introduction>.
 - Statistical Yearbook of Iran (2023). Available at: <https://amar.org.ir/salnameh-amari>.
 - Statistical Yearbook of the Road Maintenance and Transportation Organization (2024). Available at: <https://transportsafety.ir>.
 - Strategic Report on the Reconstruction and Modernization of Manufacturing Industries in Iran: Requirements and Challenges. Energy, Industry and Mining Studies Office, Islamic Consultative Assembly Research Center, Serial No. 20945, Subject Code 310. (In Persian)
 - Supervisory Report on Monitoring Industrial Sector Indicators: Ending in the Second Half of 2024 (2025). Islamic Consultative Assembly Research Center, Serial No. 20933, Subject Code 310. (In Persian)
 - Tohidloo, Somayeh (2022). "Meta-Synthesis of Existing Analyses on the 2022 Iran Protests", Iranian Journal of Sociology, Vol. 23, No. 3: 145-179. (In Persian)
 - Ziaei-Parvar, Hamid and Aghili, Seyed Vahid (2010). "Investigating the Influence of Virtual Social Networks among Iranian Users", Media Quarterly, Vol. 20, No. 4. (In Persian)
 - Zibakalam, Sadegh and Moghtadaei, Morteza (2014). "Political Parties and Their Role in Political Development in Iran: A Case Study of Elections", Political Sciences Quarterly, Vol. 10, No. 29: 7-28. (In Persian)